

نویسنده مقاله : برن کولوگلی (Brain Gloughley).
منبع و تاریخ نشر : کونترپانچ (2014-10-24).
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

موضوع خروشان در افغانستان : افزایش مواد مخدره

The New Surge In Afghanistan: Drug Production

همه اطلاعاتی که از افغانستان مواصلت میکند تاثر آور و افسرده کننده است و آن اینکه این کشور روزبه روز در باتلاق هرج و مرج سقوط میکند رییس جمهور جدید النقرر افغانستان آقای اشرف غنی آدم خوب و صاحب نظر مترقی برای مردم خود میباشد ولی او در فرصتی مسولیت رهبری یک کشوری را میگیرد که این کشور طی چندین دهه در جنگ و فساد و کشمکش های به سبک المپیک غرق و دست و پا میزند و یکی از این بدترین و وخمترین رویدادها گسترش موج خروشان و فزاینده تولید خشخاش میباشد که ضربه ای قوی و بی سابقه به پیکر این کشور جنگ زده میزند این مطلب را سازمان ملل متحد و جان سپکو (John Sopko) ناظر و بازرس عمومی و بویژه ای ایالات متحده امریکا در باسازی افغانستان طی یک نشست خبری اظهار میدارد.

آقای «جان سپکو» به نسبت اینکه یک شخص با انصاف و کله شق میباشد برای مقامات تصمیمگرنده ای و اشنگتن از چندان محبوبیتی برخوردار نیست او به جان کیری وزیر امور خارجه و چوک هیوگل (Chuck Hugel) وزیر دفاع ایالات متحده امریکا صریحاً اینچنین گفت: سطح و میزان اخیر ثبت ورکورد کشت خشخاش فراخوانی را تحت این سوال پیشکش می نماید که چرا تلاش های طولانی و پایدار بخاطر کنترل و کاهش تولید خشخاش در افغانستان موثر نیافتاد ، بویژه تلاش های قبلی ایالات متحده امریکا و دیگر نیروهای خارجی در افغانستان ، لذا اگر این تولید بلند بالای خشخاش فاجعه پنداشته نمیشود پس بطور جدی میتوان گفت که خنده اور است .

وزارت امور خارجه در واکنش به اظهارات اخیر سپکو این چنین استدلال می نماید: «کشت خشخاش از مناطق وساحات که دولت در آنجا حضور دارد

و امنیت بهبود یافته است به سمت مناطق دور افتاده که در آنجا حاکمیت دولت ضعیف است و یا آن مناطق اصلاً در تحت کنترل حکومت نمی باشد منتقل گردیده است. جای تعجب نیست که آقای سپکو (sopko) این استدلال وزارت امور خارجه کشورش را (دروغ محضاً و گمراه کننده) نه گوید. افزون بر آن سپس وزیر دفاع ایالات متحده امریکا بصورت خفت آور هنوز هم بیشتر در مسیر گناه و سرزنش با بی شرمی و قیحانه پیش میرود و چنین اعلام میدارد (به نظر ما، این کوتاهی و درماندگی در کاهش و قلع و قمع کشت خشکاش ناشی از عدم همکاری دولت افغانستان میباشد که از تلاش های ما پشتیبانی و حمایت بعمل نمی آورد).

آقای سپکو در جای دیگر چنین خاطر نشان میسازد که ایالات متحده امریکا از سال (2001) تا سال (2013) بیشتر از هفت بیلیون دلار در مبارزه علیه مواد مخدره درین کشور بمصرف رسانیده است درکشوریکه همین اکنون (80) فیصد اوپیوم کل جهان را تولید می نماید یعنی در طول مدت سیزده سال با صرف پول های باد آورده و تلاش های مذبحانه که ایالات متحده امریکا به منظور کنترل و کاهش بر مواد مخدره در این کشور انجام داد کدام دست آوردی نداشت چنانچه آقای سپکو درین مورد یک بار دیگر چنین می افزاید: من هفت سال قبل به مقامات زیربط خاطر نشان نموده بودم که این تلاش ها سرانجام چگونه و چسان محکوم به شکست میگردد.

میزان و وضع مواد مخدره در جهان سیزده اکتوبر سال (۲۰۰۷):

ایا شما تاحال از آقای لورن ستودارد (Loren Stoddard) چیزی شنیده اید؟ رویهمرفته من وسوسه دارم تا بشما توصیه بنمایم که در اینجا بمانید و این هم چرا؟ چرا بخاطر درک از تصویر کاملاً پوچ و فاجعه بار سیاست ایالات متحده امریکا در افغانستان که ستودارد در اجراءت خویش به آن علاقمندی دارد از آن جمله از مجموعه نمونه های بی اطلاعی و عدم آگاهی بوش و اشنگتن که ستودارد خود در کابل با عدم آگاهی قابل ملاحظه موارد پیرامون افغانستان را دنبال می نماید.

با وجود بی اطلاعی و عدم آگاهی از رسوم و فرهنگ و آداب مردم افغانستان آقای ستودارد (Stoddard) به صفت مد یر کمک های ایالات متحده امریکا

(USAID) در افغانستان توظيف ميگردد شخصي كه ايداً از سنن مردم افغانستان چيزي نميداند و او قبلاً به صفت متصدي و مسول جنبش وال مارت (Wal Mart) در امريكاي مركزي بود، جاي تاسف در اينجا است كه رويهمرفته همچو يك شخص برخوردار از دانش كافي در راس پروگرامهاي توسعه ايالات متحده امريكا در منطقه ويا در يك كشوري عزوتقرر مي يابد كه او خود عميقاً از شناخت همه جانبه اين كشور محروم و بيخبر ميباشد در حاليكه او شايد در وظيفه قبلي خود شخص مجرب و كاردان بوده باشد.

دويد روهده (David Rohde) از روزنامه نيويارك تايمس با زبان رسا و محكم در («21» ماه اوگست سال «2007») گفت: اقاى ستودارد مدير توسعه ي كمك هاي ايالات متحده امريكا و روري دونوهوي (Rory Donohoc) مدير برنامه هاي معشيتي ايالات متحده امريكا در جنوب افغانستان براي بار اول در اولين فيستوال زراعتي كه در لشكرگاه ولايت هلمند به كمك ايالات متحده امريكا با مبلغ (300000) دالبرگذار شده بود اشتراك ورزيدند در يك منطقه عجيب و غريب بين تقاطع غرب كشور با بازار مركزي آسيا منطقه اي كه براي كشت و زرع خشخاش محل مختص و تعبيه شده ميباشد.

مدير كل مبارزه با مواد مخدره سازمان ملل متحد اقاى انتونيو مارييا كوستا (Antonio Maria Costa) درين اواخر («31» ماه مي سال «2007») گفت: كه ولايت هلمند در آستانه تبديل شدن به بزرگترين محل توليد مواد مخدره در جهان با تمايز و تفاوت هاي كم و بيش چشمگير در زرع و كشت خشخاش ويا مواد مخدره بيشتر از كل كشورهاي توليد كننده اي خشخاش اعم از ميانمار، مراکش و حتى كلمبيا ميباشد، اما اقاى انتونيو مارييا كوستا (A.M.Costa) بيديون احساس ترس حين ابراز نظرش چنين گفت: بتامن (Batama) متخصص كمك هاي توسعه ايالات متحده امريكا كه در يك پرواز خصوصي وغير مترقبه با چشمان باز به همراهي روبين دونوهوي (Robin Donohoe) با عطاى فرهنگ ضد خشخاش و اشنگتن براي شهريان لشكرگاه وارد هلمند شدند.

بگفته اي كوستا (A.M.osta) دوشخص ناگاه وبي شعور هريك ستودارد و دونوهوي در حاليكه توسط سه نفر افراد مسلح از اهل بریتانیا و استراليا

مربوط به تیم امنیتی بدرقه میشدند در فیس‌توال لشکرگاه اشتراک نمودند .
ستودارد یک دختر ویایک پسر (38) ساله از اهل پربوبو اوتا (provo Utah) سابق کارگر تولید مواد غذایی را با آواز زمخت و بلند صدازد « که گاو را بُرد ؟ که گاو را بُرد؟ » بعد از آنکه درین فیس‌توال آتن ملی افغان ها با کوبیدن دهل بزرگ آغاز شد آقای دونوهویی (Donohoe) از سانفرانسسکو از جایش آهسته برمیخیزد و در آتن که توسط افغانها آغاز شده است اشتراک میکند (کم دانشی و یا معلومات ناکافی در مورد قبایل آن منطقه به تصور من واکنش آنها را تا اندازه ای با در نظر داشت فعالیت های فرهنگی متقابل بر می انگیزد).
استعمال عبارت پیچیده و نامعین « او یک دختر و یا او یک پسر » که توسط ستودارد بکار رفت میتوان گفت که این خود نشانه ای از عدم آگاهی و بی خبری عمیق از فرهنگ و کلتور این مرزوبوم توسط کسی مانند ستودارد است که مسولیت مصارف میلیارد ها دالر مالیه پردازان ایالات متحده امریکا را همانطوریکه در این فیس‌توال مبلغ (300000) دالر را بیرون کدام دستاورد بمصرف رسانید به هدر میدهد .

اگر آقای ستودارد حد اقل برای یک ثانیه تصور میکرد و یا با خود می اندیشید که آیا زنان در لشکرگاه (ویادر هر جای دیگر افغانستان) با بخت آزمایی خود میتوانند گاو و بدست آورند ، البته نه که این خود بیش از یک نوع طرز تفکر احمقانه ای آقای ستودارد چیزی دیگری نمیتواند باشد چونکه زنان «یک جنراتور ، یک گاو و یا یک بز) رابه بخت آزمایی نمیگذارند ، این خود نماینده گی از سرگیچی و بی خبری آقای ستودارد از سنن منطقه مینماید گرچه شاید او همچو برخوردار و دیدگاه اش را نزد خود همدردی عمیق تلقی نماید اویعنی آقای ستودارد تا هنوز نفهمیده است که در جشنواره پوچ او هیچ زنی حضور نداشت و یا اینکه او نمیداند که در افغانستان در اکثر گردهمایی ها اجتماعی زنان افغان اشتراک نمی کنند حتی که خانم رییس جمهور افغانستان که یک دوکتور طب است تا حال در انظار عامه ظاهر نگردیده است .

مضحک اینست که آقای ستودارد نه تنها از رسوم و رواج مردم افغانستان بی خبر و ناآگاه است ، و آن اینکه او اظهار میدارد که ایالات متحده امریکا با پرداخت کمک های وسیع بهی خواهانه ای مالی خود در صد د برگذاری همچو جشنواره ها و نمایشگاه های زراعتی و فلاختی میباشد تا بدین وسیله

بتواند محصولات قانونی و مروج را در اینجا و آنجا به نمایش گذارد و برای هرچه بهتر شدن این مامول، ما همین اکنون برنامه های زیر ساختی جدید صنعتی را روی دست گرفته ایم که از جمله یکی هم احداث پارک صنعتی و میدان هوایی میباشد، مضحک از این قرار که آقای ستودارد در چشم مردم حاکم میپاشد و آن اینکه احداث میدان هوایی درین منطقه بجز از اینکه زمینه را برای کشت و ترافیک خشخاش هرچه بیشتر مساعد می سازد چیزی دیگر نمیواند باشد آقای ستودارد و دیگران ابداً در پی حل مشکل مردم منطقه نبوده و نخواهند بود.

انسان با یک خوشبینی در یک محل خیالی بیدون درک از آنچه که واقعیت است همچو مثل در این پارک صنعتی و آنهم در یک ولایت که در آنجا برق وزیر ساخت های تجار تی موجود نباشد و یابنه ندرت به آن دسترسی حاصل شود چه باید گفت و یا به توضیح آن چسان پرداخت؟ اما آنچه که تنها آقای ستودارد را در اینجا از ملامتی مبرا میسازد و یا به او الهام بخش میباشد همانا قرار داشتن القا تولید خشخاش در استان بلند اعتباری اش میباشد.

در ولایت هلمند اکثر دهاقین توجه قابل ملاحظه به کشت و زرع حبوبات و مواد خوراکی دیگر که زرع آن قانونی است نمی نمایند مثل، گندم - جو - میوه - سبزیجات و غیره مواد که احتیاجات زنده گی مردم آنولا را تا حدی مرفوع سازند و در صورت تولید اضافی، اقدام به صدور این محصولات به کشورهای همجوار شوند در عوض به کشت و زرع خشخاش می پردازند. چونکه جنگ سالاران و مجرمین جنگ (اکثرا وزرا و دولتمردان کنونی) توجه همه جانبه به کشت این بوته ای تباہ کن دارند.

با اطمینان کامل میتوان گفت پولهای نقد ینه که اکنون در دست طالبان منفور و متعصبین مذهبی یعنی آنهایکه بین افغانستان و پاکستان در رفت و آمد و با اعمال انتحاری خویش هزاران انسانهای بیگناه را به قتل میرسانند روزی به مصرف خواهد رسید، اما پول هایکه از فروش مواد مخدره در افغانستان خلاف مفادات قانون اساسی و دیگر قوانین ضمیموی بدست می آید نباید فراموش کرد که مقدار آن بیشتر از بیلیون ها دالر (اگر دقیقاً فکر شود نه تنها میلیونها - بلکه دو بیلیون دالر در سال «2012» و سه بیلیون دالر در سال «2013») میباشد که بدست جنگ سالاران گردن کلفت افغان - جنرال های ارتش افغان، اکثریت

اعضای حکومت حامد «کرزی» - بدست اذبکها - پاکستانی ها ایرانیها - تاجیکها - ترکمنها و به مقادیر زیاد بدست چینیایی ها (توأم با مشکلات عدیده) می افتد و در عین زمان فباییلی های پاکستانی از هنگامیکه برای آنها راه باز شده است در قاچاق مواد مخدره وسیعاً دست بکار شده اند و افزون بر آن اکثر مجرمین غربی که آنها توسط مقامات ذیصلاح ایالات متحده امریکا و بریتانیا در منطقه از مصونیت تام برخوردار اند و هراس آنرا ندارند که در عقب میله های زندان قرار گیرند به دادوستد و ترافیک مواد مخدره وسیعاً مشغول اند. بوی و تعفن فساد مواد مخدره اکنون در افغانستان کاملاً قابل اشتمام و فاجعه بار است و کسی را در لندن و نیویارک نمیوان سراغ کرد که این کشتی در مانده ای افغانستان را از سنگلاخ های و صخره ها سالم و به اطمینان کامل به ساحل رهبری نماید.

بصراحت لهجه باید گفت که مبارزه علیه کشت و زرع و ترافیک مواد مخدره در افغانستان تلاشهای بیهوده و غیر مثمر است، و یکی از این تلاش ها تصمیمگیری و طرح مقامات مسول به ارتباط قلع و قمع کشت زارهای خشخاش در بهار سال پیشرو سم پاشی از طریق هوا بالای مزارع خشخاش میباشد که البته همچومهار تهای فریبنده و دروغین بیدون شک و شبهه در دست شورشیان و معامله گران داد و ستد مواد مخدره و حامیان شان وجود دارد تا که بتوانند مردم افغانستان تحت اشغال نیروهای خارجی را متقاعد بسازند که آنها این آماده گی را دارند که مزارع خشخاش را از بین ببرند چنانچه همین گروه های منفعت جو در سالهای گذشته مردم افغانستان را وعده داده بودند که به مجرد خروج قطعات نظامی اتحاد جماهیر شوروی حاضر اند که بصورت برق آسا در بازسازی قرا و قصبات تخریب شده ای کشورشان تلاش بخرچ خواهند داد. اگر کشورها با نیروهای نظامی اشغالگر شان مصممانه آماده گی آن را داشته باشند که بخواهند براستی کشت ترافیک و تجارت مواد مخدره را از افغانستان قلع و قمع نمایند آنها میتوانند اندیشه های خود را (بصورت اوتوماتیک با ستودارد) با هم شریک سازند و به طرح و تدوین یک برنامه ای (نه متزلزل و نه هم ناگامانه) کارا دست بکار شوند و تمام مافیای و معامله گران مواد مخدره را محبوس و از آنها مبالغ هنگفتی را تحت اسم جبران خساره بستانند نه اینکه زار عین افغانستان را به نسبت زرع کوکنار سرزنش نمایند پس در اینصورت

در افغانستان دگر کسی به کشت کوکنار اقدام نخواهد کرد در صورتیکه مارکیت و بازار داد و ستد از دست معامله گران غربی کوتاه گردد در غیر آن دادوستد مواد مخدره در جهان بیشتر صاف و هموار و روبراه است.

آنچه گفته آمدیم موارد چندی به ارتباط تولید مواد مخدره طی سال «2007» در افغانستان بود که توسط سازمان ملل متحد شنیده شد و همچنان اظهارات روشن آقای سپکو نماینده ایالات متحده امریکا در بازسازی و عمران مجدد افغانستان بود اگر کسی خواسته باشد که صورت حساب مبلغ (7.6) بیلیون دالر ضایع شده و حیف و میل شده ای مالیه پردازان ایالات متحده امریکا را بداند به این نتیجه خواهد رسید که کسی حاضر نخواهد شد تا از مصارف این پول وضاحت دهد به جز از اینکه متقاعد گردد که جنگ در افغانستان با از بین رفتن هزاران انسان چه داخلی و یا خارجی فقط یک جنگ عبث ، بی فایده و بیرون دستاورد چیزی دیگری نبود؟

نفس خود را بالای آن نگه مدار.

باتقدیم احترامات (2014-10-30)